

## گزیده‌هایی از نطق جناب علی نخجوانی

حظيرة القدس محلی، Cluj-Napoca، رومانی

۲۴ فوریه ۲۰۰۱

اقدام به دعا مستلزم حصول آمادگی است. فی‌المثل برای ادای صلوة ابتدا وضو گرفته می‌شود. در اطراف مشرق‌الاذکار باید حدائق وجود داشته باشد. موقع ورود، برای حصول آمادگی، شخص قدم می‌زند. در حیفا و بهجی، احدی بلافاصله وارد نمی‌شود، بلکه ابتدا در کمال سکوت در حدائق قدم می‌زند. یکی از وجوه تمایز امر مبارک این است که برخلاف سایر ادیان، که دعاهای زیادی توسط پیروان آنها نوشته شده، در امر بهائی تعداد زیادی ادعیه از قلم حضرت بهاء‌الله و یراعه حضرت باب نازل و از کلک حضرت عبدالبهاء صادر شده است. دعا برای روح مانند نردبانی است که او را از دنیای خاکی به عالم سماوی می‌برد. ما باید درک خویش را عمق ببخشیم. هر جمله مانند یکی از پله‌های این نردبان است؛ هر یک از آنها کمک می‌کند که ما خود را از این عالم مادی منقطع سازیم و به خداوند تقرب جویم. اگر صرفاً به تلاوت ادعیه پردازیم و کلمات را ادا کنیم، ممکن است صحیح باشد، اما تأثیر حقیقی را نخواهد داشت مگر آن که معانی کلمات و جملات را بفهمیم و به معنای حقیقی آنها پی ببریم.

حضرت عبدالبهاء در یکی از مناجات‌ها می‌فرمایند، "ای ربّ تَبَّتْ أقدامنا." (۱) حضرت عبدالبهاء در این مناجات درباره دعا و مناجات می‌فرمایند، "المناجات المنزهة عن هممة الحروف و الکلمات المقدسة عن دمدمة الالفاظ و الاصوات." (۲) ما نباید به دمدمة الالفاظ قناعت کنیم. ما باید فراتر از آن برویم و معنای آن را درک کنیم، تا بر قلب و روح ما تأثیر گذارد. اگر ما از نردبان صعود کنیم و دوباره پایین بیاییم، به هدف خود دست نیافته‌ایم. ما باید با خداوند ارتباط برقرار کنیم.

زمانی در ایالات متحده ادعا می‌شد که، "خدا مرده است!" در یک جلسه تبلیغی مردی از ایادی امرالله جناب ویلیام سیرز سؤال کرد که آیا این ادعا صحیح است. جناب سیرز جواب دادند، "من امروز صبح که با او صحبت می‌کردم، حالش خوب بود!"

فکر خوبی است که ابتدا به حضرت بهاء‌الله بگوییم که من ضعیفم، محتاجم، غافلیم، اشتباهات زیادی مرتکب شده‌ام، قصور فراوان دارم. در یکی از مناجات‌ها می‌فرمایند، "جميع ما گنهکاریم." (۳) این یعنی همه ما؛ احدی مستثنی نیست. من باید به خاطر اشتباهات و گناهان بسیاری که مرتکب شده‌ام طلب عفو و غفران کنم. من همچنان مرتکب گناه خواهم شد، اشتباه خواهم کرد، چون انسانم. حضرت ولی امرالله مرقوم فرمودند که ایشان مثل اعلی نیستند، (۴) و فقط یک مثل اعلی وجود دارد. اگر حضرت ولی امرالله بفرمایند که ایشان مثل

۱- مجموعه مناجات‌های طبع آلمان، چاپ دوم، ص ۱۱۸

۲- همان مأخذ، ص ۱۱۹

۳- خطابات مبارکه جلد ۲، ص ۱۳۷

۴- یادداشت مترجم: "هیچ ولی امر الهی نمی‌تواند ادعا نماید که مثل اعلای تعالیم حضرت بهاء‌الله است و یا آن که مرآت

اعلی نیستند، ما که هستیم؟ سعی کنید طلب مغفرت کنید. موقعی که آمادهٔ مناجات می‌شویم کلام حضرت بهاء‌الله را می‌شنویم که، "اگر می‌خواهید گناهان شما بخشیده شود، قصور دیگران را ببخشید!" اگر این شخص را دوست ندارم، اگر از آن شخص بیزارم، بار سنگین نفرت و حسادت را با خود حمل می‌کنم. از خداوند برای آنها طلب عنایت و برکت کنید و به این ترتیب به آنها محبت بورزید. بعد به خداوند می‌گویم که من مرتکب اشتباه شده‌ام و سعی می‌کنم آن کار اشتباه را دیگر مرتکب نشوم. به این ترتیب من مسأله‌ام را با حضرت بهاء‌الله در میان می‌گذارم. به خاطر داشته باشید جوابی که من می‌خواهم مثبت است، اما ممکن است جواب دیگری به من داده شود.

حضرت بهاء‌الله در یکی از مناجات‌ها می‌فرمایند، "منی دائم نفع من کدام است و زیان من کدام." (۱) اگر از خدا چیزی را طلب کنم ممکن است یکی از سه جواب به من داده شود: (۱) مثبت؛ (۲) منفی؛ (۳) صبر کن. اما جوابی که ما می‌خواهیم مثبت و فوری است. اگر ما مسألهٔ خود را با روح انقطاع و بدون اصرار و ابرام به حضرت بهاء‌الله بگوییم، گاهی در اثر دعا و مناجات اندیشه‌ای به ذهن ما خطور می‌کند. این اندیشه ممکن است صحیح نباشد. در آثار مبارکه اطمینان کامل داده شده است که به علت دعای من خداوند امور نادرست را نیز به صحیح تبدیل می‌کند و مرا در جهت صحیح سوق می‌دهد.

از یکی از ائمه سؤال شد، "خدا را چگونه شناختید؟" امام فرمود، "من از طریقهٔ دخالت او در زندگی‌ام، از نحوهٔ تغییری که در تصمیمات من ایجاد می‌کند، از روش او برای برانگیختن من به تغییر نقشه‌هایم، او را شناختم و به عرفانش نائل شدم." خداوند همیشه حاضر، همیشه ناظر، علیم و سمیع است. ما به چنین خدایی ایمان داشته باشیم.

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه به حدیثی اشاره دارند که وقتی فرود حضرت ابراهیم را دستگیر کرد و در آتش انداخت، حضرت ابراهیم دچار مشکل شد. صدای جبرئیل را شنید که به او می‌گوید، "هل لك حاجة" حضرت ابراهیم پاسخ داد، "اما الیک فلا، کفی عن سؤالی علمه بحالی". بعد از آن مناجات کوچکی از قلم مبارک صادر می‌شود که می‌فرمایند، "حاجت تو بدانی ... جانم بفدایت." (۲)

یک روز ائمه‌البهاء روحیه خانم به ما می‌گفتند که حضرت ولی امرالله فرمودند در آثار مبارکه صفات و سجایای بسیاری ذکر شده که احباء باید سعی کنند به آنها متّصف شوند. اما مهم‌تر از همه خلوص نیت است که اساس و بنیادی است که همه چیز بر آن مبنی ساخته می‌شود. خلوص نیت چیست؟ چرا من بهائی هستم؟ چرا از حیات بهائی برخوردارم؟ چرا به تبلیغ امر مبارک می‌پردازم؟ وقتی که تنها هستیم باید این سؤالات را با

---

صافیه‌ای است که انوار حضرتش را منعکس می‌سازد." (دور بهائی، ص ۸۷)

۱- اصل بیان مبارک یافت نشد. مأخذ انگلیسی Baha'i Prayers (US), p. 144

۲- یادداشت مترجم: متن کامل این بیان مبارک طبق نسخهٔ واصله از مرکز جهانی در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶ به مؤسسهٔ ملی تربیت امری اینگونه است:

هوالبهی ای عاشق روی بهاء گویند چون ابراهیم خلیل را در آتش سعیر انداختند جبرئیل ندا کرد "هل لك حاجة" خلیل جلیل جواب فرمود "اما الیک فلا کفی عن سؤالی علمه بحالی" تو نیز توجه بحضرت غیب ابهی کن و بگو:

ای واقف اسرار ای هادی ابرار ای مونس احرار جانم بفدایت؛ ای دلبر دلجو ای گلرخ مهرو ای سرور خوشخو جانم بفدایت؛ حاجت تو بدانی هرچند نهانی در هر دمی آنی جانم بفدایت. ع

خود مطرح کنیم تا بتوانیم به انگیزه زندگی خود پی ببریم. آیا من این کارها انجام می‌دهم که به چیزی دست یابم، یا مورد تحسین و تقدیر واقع شوم؟ این سؤال را مطرح کنید. اگر جواب طائف حول خود من باشد، من دارای خلوص نیت نیستم. خلوص نیت به این معنی است که کاری را برای خاطر خدا انجام دهیم، به خاطر عشق خدا انجام دهیم، و خداوند به این امر آگاه است. در آثار مبارکه نازل شده است که ما نباید حتی برای به دست آوردن چیزی در دنیای بعد کاری را انجام دهیم<sup>(۱)</sup>. این خودخواهانه است. دو نوع محبت به امر مبارک وجود دارد: (۱) عشق خودخواهانه به امرالله؛ (۲) عشق ایثارگرانه به امرالله. خداوند نوع دوم را می‌خواهد. حضرت عبدالبهاء در مناجات لقا می‌فرماید، "ای ربّ اسقنی كأس الفناء و ألبسني ثوب الفناء و اغرقني في بحر الفناء". از خود فنا شدن و گذشتن به معنی انقطاع است حتی از نام خود. مادر فرزند را به خاطر خود فرزند دوست دارد، نه برای این که وقتی بزرگ شد مادرش را دوست بدارد. مادر حتی حاضر است جانش را به خاطر فرزندش فدا نماید. این نوع عشق همان محبتی است که خداوند از ما انتظار دارد. اگر ما اینگونه محبتی را در دل داشته باشیم، فداکاری هیچ معنای دیگری ندارد.

ما وارد عهد پنجم عهد تکوین شده‌ایم. اتفاقی در سراسر دنیا افتاده که بیت‌العدل اعظم به این نتیجه رسیدند که ما به این مرحله واصل شده‌ایم. نه تنها ما کار خوبی انجام داده‌ایم، بلکه کار جدیدی باید انجام دهیم. در بسیاری از ممالک عالم از جمله رومانی، امر مبارک رشد کرده است. همانطور که آب از چشمه‌ای جاری می‌شود، امر مبارک هم می‌جوشد و جاری می‌شود. اگر به آب نگاه کنیم، جریان مستقیمی ندارد. اگر تخته سنگی بر سر راهش باشد، آن را دور می‌زند. اگر دره‌ای باشد، آب جمع می‌شود و بعد به جریان خود ادامه می‌دهد. رودخانه زیگزاگ پیش می‌رود.

عهد پنجم چیست؟ چیز جدیدی است. این است که محافل روحانی ملی با کمک مشاورین تصمیم می‌گیرند. "این صحرای ماست، دیگر اجازه نمی‌دهیم آب به هر طرف که خواست جریان پیدا کند، ما به آن سیستم می‌دهیم، نقشه می‌کشیم به جایی که ما می‌خواهیم برود و همه را آبیاری کند." این یک ویژگی امکانپذیر و مهم عهد جدید است.

در سال ۱۹۵۳ حضرت ولی امرالله همان فرصت را داشتند که ما اینک در سال ۲۰۰۱ داریم. ایشان یک نقشه دهساله می‌خواستند، به نقشه جهان نگاه کردند، جهان و ممالک را به سه گروه تقسیم کردند: (۱) با محافل ملی تثبیت شده (۱۲)؛ (۲) بقیه دنیا: کشورهای بکر بدون هیچ بهائی (۱۳۰)؛ (۳) کشورهایی که دارای بهائی بودند، اما هنوز آنقدر قوی نبودند که دارای محفل ملی شوند. ایشان آنها را کشورهای تحکیم نامیدند. قدم

۱- یادداشت مترجم: شاید اشاره به این بیان مبارک حضرت اعلی باشد که می‌فرمایند:

"و عبادت کن خدا را بشأنی که اگر جزای عبادت تو را در نار برَد تغییری در پرستش تو او را بهم نرسد و اگر در جنت برَد همچنین، زیرا که این است شأن استحقاق عبادت مر خدا را وحده و اگر از خوف عبادت کنی لایق بساط قدس الهی نبوده و نیست و حکم توحید نمی‌شود در حق تو و همچنین اگر نظر در جنت کنی و بر جاء آن عبادت کنی شریک گردانیده خلق خدا را با او اگرچه خلق محبوب او است که جنت باشد زیرا که نار و جنت هر دو عابدند خدا را و ساجدند از برای او و آنچه سزاوار است ذات او را عبادت او است باستحقاق بلاخوف از نار و رجاء در جنت اگرچه بعد از تحقق عبادت عابد محفوظ از نار و در جنت رضای او بوده و هست ولی سبب نفس عبادت نکرد که آن در مقام خود از فضل و جود حق بر آنچه حکمت الهیه مقتضی شده جاری می‌گردد." (منتخبات آیات حضرت نقطه اولی، صص ۵۳-۵۲)

بعدی این بود که از ۱۲ محفل ملی خواستند که وظایفی را در کشورهای بکر و کشورهای تحکیم انجام دهند. لذا، بیت العدل اعظم از هر محفل روحانی ملی می خواهند، همانطور که حضرت ولی امرالله به جهان نگاه می کردند، اینها به کشورهای خود نگاه کنند: (۱) محافل محلی تثبیت شده؛ (۲) بقیه کشور. باید مجموعه‌هایی در آنجا باشد (چند مجموعه وجود دارد، اقتصادی، ارتباطی، منطقی، شاید صد مجموعه وجود داشته باشد). بعد بقیه کشور جایی است که در آن هیچ بهائی وجود ندارد، یعنی مناطق بکر. بیت العدل اعظم بر این عقیده هستند که شماره یک را باید به دو قسمت تقسیم کرد: محافل محلیه‌ای که تثبیت شده‌اند، و محافل محلیه‌ای که فعال نیستند. به این ترتیب است که آب می تواند به تمام کشور برسد، اما نه به طور زیگزاگ.

۱۹ نفری که انتخاب شدند تا در ماه مه به حیفا بروند و در مراسم افتتاح طبقات شرکت کنند مسئولیتی خاص دارند تا چیزی را با خود به کشور برگردانند. زیارت هر زائر دارای دو وجه است. این موضوع هم در مورد ۱۹ نفری که از هر کشور رفتند صادق است و هم در مورد زائرین ۹ روزه و ۳ روزه مصداق دارد. آنها باید چیزی را از جامعه خود به مرکز جهانی بهائی ببرند تا این واقعه را حالتی استثنایی ببخشند. حضرت ولی امرالله آن را "خون حیات برای مرکز جهانی" نامیدند. این اجتمع ماه مه، بسته به شرایط، بزرگترین اجتماع بهائیان در تاریخ امر مبارک در مرکز جهانی خواهد بود. ایستگاههای مهم تلویزیونی علاقتند و جلسات از طریق ماهواره توسط بهائیان و سایرین در سراسر جهان مشاهده خواهد شد. این خدمتی به امر مبارک است و سبب جلب توجه مردم در سطح بین‌المللی خواهد شد.

ایادی امرالله دوروتی بیکر بعد از سالها انتظار به حیفا آمدند. چون در آن ایام پروازهای زیادی وجود نداشت و ایشان مجبور بودند برای شرکت در کنفرانس بین‌القارات به آفریقا بروند، لذا دوره زیارت ۹ روزه ایشان به پنج روز کاهش یافت. روز آخر روحیه خانم به ایشان گفتند، "حیف شد که شما فقط پنج روز در اینجا ماندید." دوروتی بیکر جواب دادند، "من مانند اسفنجی بودم، اسفنجی خالی و تهی. اینجا به کناره دریایی زیبا از آب زلال آمدم. اسفنج کوچک من در این آب فرو رفت و آنچه که می توانست بلافاصله جذب کرد. زمان مهم نیست، اکنون من مشحون از آن چیزی هستم که می بایست، غرق امتنان و سپاس هستم." مهم این است که مانند دوروتی بیکر باشیم. تهی ساختن خودمان حائز اهمیت است، باید سبک شویم، تا بتوانیم فیوضات را دریافت کنیم و نگاه داریم. اگر پُر از خود و مشحون از نفس به آن اقلیم برویم، در آن آب زلال فرو می رویم، تازگی و طراوت می یابیم، اما مانند سنگ، و لذا در راه بازگشت به خانه دوباره خشک می شویم.

موقعی که درباره دعا صحبت می کردم به این نکته اشاره کردم که باید دیگران را ببخشیم و به این ترتیب بار خویش را سبک کنیم. ما باید خودمان را درون رودخانه تخلیه کنیم و از آلوده شدنش نگران نباشیم، چه که قبلاً آلوده شده است. ما باید ببخشیم و برای همه دعا کنیم که خود را خالی کنند و روح مقامات و اعتبار مقدسه را جذب نمایند. در این صورت ما مصداق آن حدیث اسلامی خواهیم بود که حضرت بهاءالله نقل می فرماید، "طوبی لمن زار عکا و طوبی لمن زار زائر عکا" (۱)